

جهان آینده و... فرهنگ

قسمت اول: جهان آینده از منظر چند آینده‌نگر برجسته غربی

رضا اسماعیلی *



مقدمه

آینده‌نگری یکی از مقولات مهم در اقتصاد، سیاست و عالم اندیشه به‌شمار می‌رود. این مهم دلمشغولی بسیاری از متفکران در ربع پایانی قرن بیستم بوده است. هر یک از دانشمندان با بینش و روش خاص، تحولات مطلوب یا محتمل آینده را در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... ترسیم کرده‌اند. در بین اندیشمندان آوازه افرادی چون پل کندی، چارلز بی‌هندی، ازراف. ووگل، اکیو موریتا، کیم ووجونگ، اشنايدر و کینگ، آنورلیوپچی و آدام شاف، پتراف دراگر و ساموئل هاتینگتون چشمگیر است. پل کندی استاد تاریخ دانشگاه بیل آمریکا، کتاب خود را به‌عنوان در تدارک قرن بیست و یکم، جهان تا سال ۲۰۲۵ در ۱۹۹۳ منتشر ساخت. چارلز بی‌هندی استاد میهمان دانشگاه بازرگانی لندن و مشاور تعداد زیادی از سازمانهای تجاری، دولتی، فرهنگی و بهداشتی، کتاب خود را با عنوان «عصر تضاد و تناقض» در سال ۱۹۹۴ منتشر کرد. به نظر بی‌هندی، گرچه تضادها و تناقض‌های زمان ما تماماً و یکجا قابل حل نیست، ولی لااقل می‌توانند تحت قاعده و مدیریت درآیند. به نظر او یافتن راههایی از میان تضادها و تناقضات موجود، مستلزم درک اتفاقات و آماده‌سازی خود جهت



مسائل جهانی را تحلیل می‌کنند و راه حل‌های تازه‌ای برای خروج از این بحرانها ارائه می‌دهند. آدام شاف در ۱۹۸۵ با نوشتن کتاب جهان به کجا می‌رود، گزارش تازه باشگاه رم را تصویر می‌کند. او در این کتاب، تأثیرات اجتماعی درازمدت فن آوری را تشریح می‌نماید.

پیتر اف دراکر، کتاب جامعه پس از سرمایه‌داری که حاصل چهل سال تلاش و تحقیقات است را در سال ۱۹۹۳ عرضه می‌کند. او در این اثر، احتمال وقوع رویدادها را با مشاهده قراین و روندها و شرایط علت و معلولی مطرح می‌سازد.

ساموئل هانتینگتون استاد علوم سیاسی هاروارد، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، در ۱۹۹۳ به غریبان هشدار می‌دهد که خود را برای رویارویی تمدن‌ها در آینده آماده سازند. کتاب او بی‌شک از تأثیرگذارترین اندیشه‌ها در عرصه عمل محسوب می‌شود که موافقان و مخالفان متعددی را برانگیخته است. نظریه گفت‌وگوی تمدنهای حجت‌الاسلام و المسلمین خاتمی، رئیس جمهور اسلامی ایران، در مقابل این نظریه عنوان شده است.

در قسمت اول این مقاله سعی شده ابتدا مختصات اصلی جهان آینده براساس یافته‌های مندرج در منابع مطروحه، ترسیم شود. و قسمت دوم، به تبیین فرهنگ و جایگاه آن در جهان آینده و همچنین فرهنگ آینده اختصاص یافته است.

منابع مورد استفاده قسمت اول این مقاله، عمدتاً دو تک نگاشت پژوهشکده تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران با عنوان «آموزش و پرورش ایران ۱۴۰۰» حاوی چکیده اثرهای اشاره شده، می‌باشد. لازم است در اینجا از پژوهشکده تعلیم و تربیت که «هر نوع استفاده و برداشت را با ذکر مأخذ» آزاد اعلام کرده‌اند، سپاسگزاری نمایم.

بدیهی است این مقاله مقدمه‌ای بر شروع مبحث آینده‌نگری تلقی می‌شود و مستلزم تکمیل و اصلاحات در آینده خواهد بود.

نشان دادن واکنش‌های متفاوت و مناسب می‌باشد. ازرا ف. ووگل استاد هاروارد و مدرس جامعه‌شناسی ژاپن، در کتاب خود با عنوان ژاپن کشور شماره یک در ۱۹۷۹، تلاش دارد حاصل بیست سال تجربه اقامت در ژاپن و مطالعات خود را با هدف دستیابی به رمز موفقیت و معجزه اقتصادی ژاپن به‌منظور ارائه راه حلی برای مشکلات جامعه آمریکا به رشته تحریر درآورد. کیم ووچونگ با نوشتن کتاب سنگفرش هر خیابان از طلاست در سال ۱۹۸۹، ضمن بیان سرگذشت زندگی و تجربه‌های خود از عضویت در شورای توسعه اقتصادی کره جنوبی تا تأسیس شرکت دوو، تحولات اقتصادی و پیشرفتهای صنعتی کره را تشریح می‌کند.

برتراند اشنايدر و الکساندر کینگ در ۱۹۹۱ میلادی با کتاب نخستین انقلاب جهانی، تلاش دارند تا درباره مسائل و مشکلات و بحرانهای کنونی جهان به بحث و بررسی بنشینند. این دو، جزو دانشمندان باشگاه رم هستند که ترسیم‌کننده جهان بیست سال پس از محدودیتهای رشد می‌باشند. این باشگاه بیش از صد عضو از ۵۳ کشور جهان دارد.

آنورلیوچی و همکارانش در سال ۱۹۸۳ با کتاب جهان در آستانه قرن بیست و یکم (گزارش تازه باشگاه رم) تحولات ساختاری و

تصویر از شماره ۲۶۰ پیام بونیک



جهان آینده و مختصات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن

تحول در مفهوم معرفت و دانایی

پیترا ف. دراگر در کتاب خود با عنوان جامعه پس از سرمایه‌داری، معتقد است: «یک چیز را به خوبی می‌توان پیشگویی کرد و آن این است که بزرگترین تغییر و دگرگونی همانا تغییر و دگرگونی در «دانایی» خواهد بود، یعنی دگرگون شدن شکل و محتوا، معنا و مفهوم، مسؤلیت و رسالت دانایی و بالاخره دگرگونی در آن چیزی که فرهیختگی به حساب می‌آید».

در طول یک‌صد و پنجاه سال یعنی از ۱۷۵۰ تا ۱۹۰۰، سرمایه‌داری و تکنولوژی، کره‌خاکی را به تسخیر خود درآورد و تمدن جهانی را ایجاد کرد. با سیری گذرا در طول اعصار گذشته، چه در شرق و چه در غرب، سرمایه‌داری و نوآوریهای فنی، مفاهیم و مسائل جدیدی نبودند، بلکه پدیده‌هایی معمولی رایج و ادواری تلقی می‌شدند. آنچه تازگی داشت سرعت انتشار و فراگیر شدن آنها در متن فرهنگها، طبقات اجتماعی و مناطق مختلف جغرافیایی بود. همین سرعت و حوزه انتشار بود که سرمایه‌داری را به یک «نظام» و «سیستم» و پیشرفتهای فنی را به «انقلاب صنعتی» تبدیل کرد. این تحول و دگرگونی ناشی از بروز تغییری اساسی در مفهوم «معرفت» بود. معرفت در فلسفه شرق و غرب همواره به عنوان مقوله‌ای وابسته به هستی تعریف شده بود. تقریباً در کمترین فرصت زمانی به مفهومی وابسته به عمل تبدیل گردید و مطلوبیتی عام یافت. دانش و معرفت که همواره کالایی ویژه نزد افرادی خاص به حساب می‌آمد، تقریباً به کالایی مطلوب عموم بدل گردید.

دانش در نخستین مرحله به مدت یک‌صد سال در خدمت طراحی و ساخت ابزارها، فرآیندهای تولید و محصولات قرار داشت و همین مرحله بود که به «انقلاب صنعتی» منتهی شد. در دومین مرحله که تقریباً از سال ۱۸۸۰ آغاز شد و تا پایان جنگ جهانی دوم طول کشید، دانش در مفهوم جدید خود، یعنی وابسته به کار تعریف گردید. همین امر

در واقع پیش‌درآمدی بر وقوع «انقلاب بهره‌وری» بود که توانست طی هفتاد و پنج سال، پرولتاریا را به بورژوازی طبقه متوسط با درآمدی نزدیک به درآمد طبقه بالا - تبدیل کند. انقلاب بهره‌وری بود که بعدها جنگ طبقاتی و کمونیسم را بی‌رنگ کرد و آن را با شکست مواجه ساخت.

آخرین مرحله از دگرگونی در مفهوم دانایی و معرفت، در واقع پس از جنگ جهانی دوم آغاز شد و امروز شاهد آن هستیم که معرفت دیگر وابسته به هستی، عمل و کار نیست، بلکه وابسته به خود معرفت است. این به معنای وقوع «انقلاب مدیریت» است. این دانایی است که به سرعت به یگانه عامل تولید تبدیل می‌شود و کار و سرمایه را از متن به حاشیه می‌راند.^۱

جمعیت در جهان آینده

وقتی مالتوس اصلاح‌نهایی رساله‌اش را انجام می‌داد، زمین حدود یک میلیارد نفر جمعیت داشت. میلیونها سال طول کشیده بود تا این جمعیت فراهم شود. به دلیل صنعتی شدن و گسترش خدمات پزشکی و طب مدرن، سرعت رشد جمعیت افزایش یافت. در دوره زمانی ۱۷۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی جمعیت جهان دوبرابر شد. طی دوره زمانی ۱۹۲۵ تا ۱۹۷۶ جمعیت جهان بالغ بر چهار میلیارد نفر گردید. در سال ۱۹۹۰ رقم جمعیت به ۵/۳ میلیارد رسید. در سال ۱۹۹۹ میلادی جمعیت دنیا از مرز ۶ میلیارد نفر گذشت. در دهه‌های اخیر به دلیل کاهش نرخ باروری در بسیاری از کشورها، آهنگ افزایش جمعیت کند شده است. طبق محاسبه بانک جهانی ممکن است جمعیت جهان در نیمه دوم قرن بیست و یکم با رقمی بین ۱۰ و ۱۱ میلیارد تثبیت شود. برخی منابع این تثبیت را با رقمی برابر با ۱۴/۵ میلیارد نفر ذکر کرده‌اند.^۲

۱- پیترا ف. دراگر، جامعه پس از سرمایه‌داری، ترجمه محمود طلوع، انتشارات رسا، ۱۳۷۴، ص ۴۱ و ۴۲.
۲- پل کندی، در تدارک قرن بیست و یکم، جهان تا سال ۲۰۲۵، ترجمه عباس منخبر، طرح نو، ۱۳۷۷، ص ۳۸.

بیشترین رشد جمعیتی در فقیرترین مناطق جهان اتفاق می‌افتد در حالی که جمعیت در کشورهای پیشرفته دارای رشد کند یا کاهش یافته است و سهم پیرها در آن افزایش می‌یابد.^۳

تأثیر رسانه‌ها در جهان آینده

در حال حاضر بخش عظیمی از افراد بشر از برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی که در دسترس دارند، عمیقاً تأثیر می‌گیرند. بحث قدرت رسانه‌ها در جامعه معاصر امری بدیهی است. رسانه‌ها خوب یا بد از عوامل اصلی شکل دادن به افکار عمومی و شیوه تفکر افراد به شمار می‌آیند.

نقش رسانه‌های همگانی در تمامی ابعاد به طور عمیق مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. ما درباره ماهیت و دوام تأثیر رسانه‌ها خیلی کم می‌دانیم و استدلال ما بیشتر بر پایه گمانها و فرضیه‌ها و نه واقعیت‌های به اثبات رسیده استوار است.^۴

وسایل ارتباطی به خصوص بر نسل جوان تأثیر می‌گذارند. این رسانه‌ها توانایی در هم شکستن انحصارهای دولتی را دارند و به درون مرزهای ملی نفوذ می‌کنند. همچنین به مردم امکان می‌دهد که بشنوند و ببینند چگونه دیگران طور دیگری زندگی می‌کنند.^۵

در فرآیند ارتباطات جهانی، کشورهای ثروتمند سلطه فرهنگی خود را از طریق هدایت منابع اطلاعاتی، ارسال محصولات فرهنگی، قدرت‌دهی به سازمانهای تبلیغاتی، زنجیره مطبوعات بین‌المللی، شرکت‌های چاپ، رادیو، تلویزیون، دریاوردی و بسیاری چیزهای دیگر حفظ می‌کنند و هیچ حکومتی نمی‌تواند انقلاب ارتباطات را مهار کند.

نظام «ارتباطات جهانی جدید» که یونسکو به منظور تعدیل سلطه غرب پیشنهاد نمود، ظاهراً جذاب به نظر می‌رسد، اما به احتمال زیاد پیش از آنکه نقش یک منبع عینی گزارش اخبار را ایفا کند به نوعی آلت فعل منابع دیوانسالارانه و ایدئولوژیک تبدیل خواهد شد.^۶

اقتصاد در جهان آینده

انقلاب در ارتباطات سبب بین‌المللی شدن تولید امور مالی می‌شود. این رویداد ظرفیت یک ملت را برای هدایت امور از بین می‌برد.^۷ سیاستمداران محلی، مهار سرنوشت اقتصادی خود را از دست می‌دهند. منطبق دنیای بدون مرز آن است که هیچ‌کس کنترل را در دست نداشته باشد. شاید مدیران جدید شرکت‌های چندملیتی مستثنی باشند، چون صاحبان آن به حاکمان جدید تبدیل می‌شوند.^۸

اقتصاد جهان در آینده به طور کلی یکپارچه‌تر و ثروتمندتر می‌شود. هرچند ایجاد این ثروت و بهره‌گیری آن بسیار نامتعادل است، زیرا با شواهد فعلی می‌توان اظهار داشت که شکاف میان ۱/۵ ثروتمند و ۴/۵ فقیر جهان بیشتر شده است و ۱/۵ جمعیت جامعه آمریکا - با شدت کمتر - خود را از ۳/۵ بقیه جدا کرده‌اند.^۹

مشکل اصلی در این میان، نوع رابطه‌ای است که به وجود می‌آید، زیرا ۹۵ درصد افزایش جمعیت جهان در آینده، در کشورهای در حال توسعه اتفاق می‌افتد. در چنین شرایطی، که میلیاردها دهقان فقیر، ثروت شمال را می‌بینند که در آن سهمی ندارند، و میلیونها خانواده کامروا با زندگی در دموکراسی‌های صنعتی خود را در معرض مصایب جمعیتی و زیست‌محیطی گرفتار می‌بینند، در سده‌دهم قرن ۲۱، مردم ساکن در این سیاره با همدیگر چگونه رابطه‌ای برقرار می‌کنند.^{۱۰}

در حال حاضر، مجموعه عوامل مؤثر بر عملکرد اقتصاد بین‌المللی؛ بینشهای فرهنگی،

۳- همان، ص ۴۷۱.

۴- اشنایدر و کینگ، *نخستین انقلاب جهانی*، ترجمه شهین دخت خوارزمی، نشر احیا کتاب، ۱۳۷۴، ص ۲۶۰.

۵- پل کندی، ص ۴۷۴.

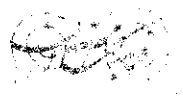
۶- همان، صفحات ۳۲۵ تا ۳۲۷.

۷- همان، ص ۸۰.

۸- همان، ص ۸۲.

۹- همان، ص ۷۱ و ۸۹.

۱۰- همان، ص ۹۵.



رودخانه‌ها روز به روز آلوده‌تر می‌شوند، دریاچه‌ها از میان می‌روند و شهرها پوشیده از دود می‌گردند. مواد زاید صنعتی افزایش می‌یابد، فرسایش خاک شدت می‌یابد، جنگلها تخریب می‌شوند و زمین آلوده می‌گردد.

مشکلات زیست‌محیطی و آینده آن

در سالهای میانی قرن حاضر، جهان ۱/۵ خاک زراعی، ۱/۵ جنگلهای استوایی و دهها هزار نوع از نباتات و حیوانات خود را از دست داده است. معنای این تحولات در مقیاس جهانی چیست؟ حدود ۱/۳ از اراضی (بیابانها و شهرها اسفالت شده) فعالیتهای زیستی اندکی را در خود جای می‌دهند. ۱/۳ دیگر، جنگلها و بیشه‌ها هستند و بقیه، زمین زراعی و مرتع،^{۱۶} در سال ۲۰۰۰ بنا به هشدار گابریل گارسیا، احتمالاً ۳/۴ جنگلهای استوایی آمریکا تخریب شده‌اند. و ۵۰ درصد از گونه‌های موجود برای همیشه از بین رفته‌اند. آنچه طبیعت طی میلیونها سال عمر خود پدید آورده است، ظرف مدتی کمتر از ۴۰ سال به دست بشر نابود خواهد شد. جو زمین به دلیل افزایش جمعیت و میل به بالا بردن سطح زندگی، به‌طور فزاینده‌ای آلوده شده است.^{۱۷} همچنین رودخانه‌ها روز به روز آلوده‌تر می‌شوند، دریاچه‌ها از میان می‌روند و شهرها پوشیده از دود می‌گردند. مواد زاید صنعتی افزایش می‌یابد، فرسایش خاک شدت می‌یابد، جنگلها تخریب می‌شوند و زمین آلوده می‌گردد.^{۱۸} در حالی که تمام شدن آب امری جدی است، نوعی اثر گلخانه‌ای خطرناک پدید آمده که کل بوم‌سازگان زمین و شیوه زندگی جوامع غنی و فقیر را به‌طور یکسان تحت تأثیر قرار می‌دهد.^{۱۹}

سطح دریاها با افزایش درجه حرارت زمین بالا می‌آیند. شکل هندسی سواحل و مناطق ساحلی

آموزش، ثبات سیاسی و ظرفیت اجرای طرحهای بلندمدت، گویای آن است که شمار اندک، اما فزاینده‌ای از کشورهای «ندار» به سوی «دارا» شدن حرکت می‌کنند، اما تعداد بیشتری همچنان به جای می‌مانند. بنابراین داستان برندگان و بازندگان ادامه خواهد یافت. فقط ارتباطات جدید سبب می‌شود ناهمگونی فزاینده را از یاد ببریم.^{۱۱}

از نظر پیشرفتهای اقتصادی، جهان وارد مرحله انقلاب صنعتی جدیدی خواهد شد. این انقلاب صنعتی را توسعه کمی و فنی روبات‌ها به وجود خواهند آورد. ژاپن با ۳ درصد مساحت و ۲/۵ درصد جمعیت جهان، حدود ۶۵ درصد روبات‌های صنعتی جهان را در تملک خود دارد. این یادآور جزیره‌ای دیگر یعنی بریتانیای دوره ملکه ویکتوریا است که ۵/۷ فولاد و نیمی از آهن جهان را تولید کرد.^{۱۲}

در بخش کشاورزی، با گسترش انقلاب فن‌آوری زیستی، کارایی کشاورزان افزایش خواهد یافت، اما شکاف توسعه فن‌آورانه در بین کشورها باقی خواهد ماند. در حال حاضر یک کشاورز آفریقایی به‌طور متوسط ۶۰۰ کیلوگرم غله در سال تولید می‌کند، ولی میزان تولید یک کشاورز آمریکایی ۸۰۰۰۰ کیلوگرم یعنی حدود ۱۳۰ برابر بیشتر است.^{۱۳}

چنانکه انقلاب فن‌آوری زیستی به بار بنشیند، می‌تواند شکاف میان افزایش جمعیت و تولید کل مواد غذایی را کمتر کند و امر کشت و زرع را در کشورهای در حال توسعه میسرتر سازد.^{۱۴}

با توسعه و انتقال انقلاب فن‌آوری به کشورهای در حال توسعه، میلیونها شغل کشاورزی در معرض خطر قرار خواهد گرفت و در نتیجه آن، انبوه بیکاران به وجود آمده و زمینه شورشهای دهقانی را فراهم خواهد ساخت.^{۱۵}

- ۱۱- همان، ص ۳۲۸
- ۱۲- همان، ص ۱۲۹
- ۱۳- همان، ص ۱۰۲
- ۱۴- همان، ص ۱۱۵
- ۱۵- همان، ص ۱۱۸
- ۱۶- همان، ص ۱۴۳ و ۱۴۵
- ۱۷- همان، ص ۱۴۶
- ۱۸- همان، ص ۱۳۹
- ۱۹- همان، ص ۱۵۳

و حرکت امواج به این معنی است که عقب‌نشینی سواحل حتمی است و بسیاری از کشورهای در حال توسعه آسیب خواهند دید.^{۲۰} تأثیر گرم شدن زمین برای کشاورزی کشورهای پیشرفته جدی است.^{۲۱} همه این مسائل گویای این است که ما به اصلاحات جدی و درک بهتر تأثیر متقابل این دگرگونیهای جهانی نیاز داریم.^{۲۲} و فقط با یک دگرگونی و تحول معنوی - فرهنگی است که می‌توانیم خود را از این بن‌بست برهانیم و هنگامی که در این راه موفق شدیم می‌توانیم بگوییم برای پاسخ دادن به مقتضیات زمانه خود به رشد کافی رسیده‌ایم. ما نیاز به بینشی تازه داریم و باید این اصل را بپذیریم که فقط با وحدت با طبیعت که خود جزئی از آن هستیم و هستی و کیفیت زندگی ما به آن بستگی دارد، می‌توانیم زندگی خویش را نجات دهیم.^{۲۳}

حاکمیت‌های سیاسی در جهان آینده

حاکمیت به‌عنوان تجلی کوششی که نظام حاکم برای ایجاد امنیت، شکوفایی، نظم و تداوم نظامهای موجود مبذول می‌دارد، در جهان آینده ابعاد تازه‌ای خواهد داشت. تازه شدن این ابعاد ناشی از عوامل زیر است.

- شتاب روزافزون تحولات در همه حوزه‌های

زندگی بشر

- رشد پیچیدگی امور و نیاز روزافزون نظام

حکومتی به تخصص‌ها، دانشها، مهارتهای پیچیده

و نوظهور امروزی

- به تحلیل رفتن حق حاکمیت کشورها بر اثر تماس

روزافزون فرهنگها و جوامع ناهمگن با یکدیگر و

جهانی شدن پدیده‌ها و از بین رفتن مرزهای

ارتباطی - اطلاعاتی

- رشد وابستگی متقابل جوامع در اغلب حوزه‌ها

تحت فشار عوامل مذکور، حاکمیت سیاسی در

بسیاری از کشورها دچار بحران می‌شود. وجود



۲۰- همان، ص ۱۵۹ و ۱۶۰.

۲۱- همان، ص ۱۶۳. ۲۲- پل کندی، ص ۱۶۶.

۲۳- آنورلیو پیچی، ۱۳۶۷، صص ۴۱-۴۰.

کلاف سردرگم معضلات روزافزون، خود دلیل محکمی است بر این بحران، ولی نشانه‌های دیگری نیز می‌توان یافت که حکایت از وضعیتی نابسامان دارد. از جمله:

- حکومتها بیش از پیش در چنبره مسائلی مقطعی و روزمره گرفتار آمده، به راه‌حل‌های کوتاه‌مدت اولویت می‌دهند که حداقل نوعی فایده سیاسی داشته باشد.

- معمولاً در درون نظام حکومتها، تخصیص منابع نه بر اساس اهمیت مسأله، بلکه با توجه به قدرت سیاسی و شخصیت وزرا صورت می‌گیرد.

- تصمیم‌گیران اصلی زیر فشار بمباران تصمیم‌های روزافزون قرار گرفته و این فشار تا بدان حد است که کمتر فرصتی برای تأمل و تفکر می‌یابند. عدم دسترسی به اطلاعات مناسب و «سیاست‌زدگی» نیز وضعیت را بدتر می‌کند و باعث می‌شود تصمیم‌های اتخاذ شده در جهت منافع درازمدت جامعه و مردم نباشد.

- ساختار اجرایی حکومتها به گونه‌ای سازمان می‌یابد که هر بخشی در محدوده‌ای مستقل به نام وزارتخانه فعالیت دارد و همین ضعف ارتباط و هماهنگی میان این بخشها باعث می‌شود امور به صورت جدا و منفک از یکدیگر اداره شوند و هر بخش فقط در اندیشه مسائلی خود باشند و جامعه به عنوان «کل» فراموش گردد.

- حکومتها در برابر تغییر و نوآوری ایستادگی می‌کنند و از «تعارض خلاق» می‌پرهیزند. حال آنکه بدون تغییر، نوآوری و تعارض خلاق، نمی‌توان بحرانهای کنونی را پشت سر گذاشت.

- به طور کلی بیشتر حکومتها به مسائلی توجه دارند که متعلق به امروز است نه آینده و از پرداختن به امور اساسی و بنیادین غافل می‌مانند.

این نارسایی‌ها که در بیشتر دستگاههای حکومتی دیده می‌شود. در جهان در حال توسعه، با نابسامانی‌های دیگری ترکیب یافته و وضعیتی بغرنج پدید آورده است.^{۲۴}

در فرآیند ارتباطات جهانی، کشورهای ثروتمند سلطه فرهنگی خود را از طریق هدایت منابع اطلاعاتی، ارسال محصولات فرهنگی، قدرت‌دهی به سازمانهای تبلیغاتی، زنجیره مطبوعات بین‌المللی، شرکتهای چاپ، رادیو، تلویزیون، دریانوردی و بسیاری چیزهای دیگر حفظ می‌کنند و هیچ حکومتی نمی‌تواند انقلاب ارتباطات را مهار کند.

آینده دولتهای ملی

در شرایطی که در هر ده سال تقریباً یک میلیارد نفر به جمعیت جهان اضافه می‌شود، کاهش تولید مواد غذایی می‌تواند گرسنگی وسیعتری را به وجود آورد و سبب شود بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی بیشتر شود و جنگ بر سر منابع، مناسبات میان ملتهای غنی و فقیر را وخیم‌تر کند.

تهدیدهای جدید مثل تروریسم و قاچاق بین‌المللی مواد مخدر، صاحب‌نظران را به این عقیده رهنمون شده است که «امنیت بین‌المللی» جای تهدیدهای قدیم نظیر جنگ هسته‌ای و جنگهای بزرگ را می‌گیرد. بنابراین بهزیستی ملی در معرض خطر قرار گرفته است.^{۲۵}

پدیده دیگر، نضج گرفتن سازمانهای فوق ملی یا منطقه‌ای است؛ به خصوص در مقاصد تجاری، چرخش قدرت از دولت ملی به سمت واحدهای کوچکتر، به طور عمده ناشی از تحولات اقتصادی و تکنولوژیک است. به طور مثال در اروپا مرزها فرو ریخته است. در نتیجه، دو مفهوم گسترده امنیت ملی با امنیت بین‌المللی غیر قابل تفکیک می‌شود و هر دو تعریف گسترده‌تری پیدا می‌کنند^{۲۶} و تحت تأثیر این فرآیند، نقش دولتهای ملی کاهش خواهد یافت.

۲۴- اشنایدر و کینگ، نخستین انقلاب جهانی، ص ۱ تا ۷، مقدمه کتاب.

۲۵- پل کندی، ۱۳۷۲، ص ۱۸۷.

۲۶- همان، ص ۱۸۹ و ۱۹۱.



در گذشته تفاوت‌های زبانی و مذهبی دستاویزی بر ایجاد جنگ محسوب می‌شد و اکنون روندهای کلی جهانی، کشمکش‌های داخلی و منطقه‌ای بیشتری به وجود می‌آورند. تشدید مبارزه برای تصرف منابع، انقلاب ارتباطات، به وجود آمدن شهروندان جهانی، خصوصتهای قومی و فروریختن اقتدار حکومت بویژه در بخشهای فقیر جهان، سبب اصلی این کشمکش خواهد بود.^{۳۱}

رهبری سیاسی جهان آینده

یک احتمال؛ به پیش‌بینی ساموئل هانتینگتون «مشعل رهبری سیاسی جهان در قرن آینده احتمالاً از آمریکا به فدراسیون اروپا تحویل داده خواهد شد». ایالات متحده آمریکا به دلایل ساختار اجتماعی و اقتصادی، انگاره در حال تغییر جمعیتی (قهوه‌ای شدن آمریکا و در اقلیت قرار گرفتن سفیدپوست‌ها در آینده)، مشکلات زیست‌محیطی، کمبودهای آموزشی و اجتماعی، بن‌بست‌های سیاسی-قانونی و مشکلات مالی «برنده مسلم» نخواهد بود.^{۳۲}

در مقابل، واکنش کشورهای در حال توسعه نسبت به نیروهای عظیم تغییردهنده جهان یکسان نیست. بعضی آسیب می‌بینند و بعضی دیگر شکوفا می‌شوند. نشانه‌های موجود، حکایت از بزرگتر شدن شکافها دارد. یک گروه از تأثیر متقابل روندهای سودمند بهره می‌گیرند؛ در حالی که گروهی دیگر از ضعفها و نارساییهای به هم پیوسته آسیب می‌بینند. این وضعیت در عرصه جمعیت آشکارتر از همه به چشم می‌خورد.^{۳۳}

انعطاف مالی و ارتباطات جهانی و پیدایش شرکت‌های چندملیتی با تهدید بزرگتر شدن شکاف میان کشورهای ثروتمند و فقیر، حتی در میان کشورهای در حال رشد همراه است.^{۳۴}

مشارکت در تصمیم‌گیری سیاسی در جوامع ملی در جامعه انفورماتیک با استفاده از نسلهای تکامل‌یافته‌تر کامپیوترها و کاربرد وسیع کابل‌های فایبرگلاس، وضعیت کاملاً جدیدی به وجود خواهد آمد و دیگر هیچ مانعی برای اجرای روزمره دموکراسی مستقیم و بی‌واسطه وجود نخواهد داشت. بدیهی است چنین امری اداره امور به دست مردم را، به وسیع‌ترین معنای کلمه، امکان‌پذیر می‌کند. این امر در کشورهای سرمایه‌داری موجب استقرار هر چه بیشتر خودگردانی و انتخاب مستقیم مردم و رفع مشکلات ناشی از آن است.^{۲۷}

در آینده، قدرت نظارت اجتماعات و حتی کشورها بر سرنوشت خویش به طور مرتب کمتر و کمتر می‌شود.^{۲۸}

تحولات و تغییرات گرچه روندهای متنوعی دارند، اما همگی دارای ماهیت فراملی می‌باشند، به طوری که مرزها را در سراسر سیاره در می‌نورددند.^{۲۹}

تغییرات تکنولوژیک و تعارضات تاریخی، هر دو مرزهای ملی را در هم می‌نوردند و در فواصل دور احساس می‌شوند. این مطلب در مورد سایر نیروهای فراملی نیز مصداق دارد.^{۳۰}

نبردها و ستیزه‌های آینده

در گذشته تفاوت‌های زبانی و مذهبی دستاویزی بر ایجاد جنگ محسوب می‌شد و اکنون روندهای کلی

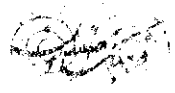
۲۷- آشنایدر و کینگ، ص ۱۹۳.

۲۸- پل کندی، ص ۴۷۴. ۲۹- همان، ۱۳۷۲، ص ۱۸۷.

۳۰- همان، ص ۳۴۷. ۳۱- همان، ص ۱۹۲ و ۱۹۳.

۳۲- همان، ص ۳۷۱ و ۴۶۱.

۳۳- همان، ص ۳۱۵. ۳۴- همان، ص ۲۲۳.



رهبران سیاسی در آینده

در میان رهبران سیاسی باید این بینش مهم رواج یابد که توسعه جامعه زمانی با موفقیت انجام می‌گیرد که شهروندان روح همکاری پیدا کنند. مردم در امور سیاسی و اجتماعی به شیوه دموکراتیک، مسؤولیت بپذیرند و اقتصاد از طریق فعالیت آزاد و هدایت شده اداره شود.

در آینده هر سه حوزه جامعه - نظام ارزشی، نوع حکومت و نظام اقتصادی که میزان کارایی جامعه را تعیین می‌کنند. پیوند بیشتری پیدا خواهند کرد. همچنین منابع اولیه غنی در یک کشور باعث نمی‌شود تا آن کشور از نظر اقتصادی موفق شود، زیرا این انسانها هستند که در نهایت تعیین‌کننده موفقیت یا عدم موفقیت محسوب می‌شوند. در بیشتر موارد، هنوز هم پشتکار و تلاش و مهارتهای فنی و سازماندهی، شرط اصلی برای ایجاد زیرساخت یک جامعه پیشرفته است. نظام اجتماعی زمانی به هدفهای خود دست می‌یابد که شوق به کار و کوشش را در انسانها بیدار کند و به همگان امکان دهد تا از آخرین مهارتها و اطلاعات بهره‌مند شوند.^{۳۵}

حاکمان جهان آینده از نظر شنایدر و کینگ کسانی باید باشند که در صفات و موارد ذیل شایستگی، لازم را داشته باشند. دارا بودن بینش راهبردی اساسی - توان نوآوری و انطباق با تغییرات - برخورد اخلاقی با مسائل به معنای مصالحه با آنچه درست و عادلانه است، نه آنچه در آن نفعی نهفته است.

- تصمیم‌گیری براساس مشاوره گسترده و عمیق با صاحب نظران و اندیشمندان و ارزیابی به موقع نتایج و بهره‌گیری از آن برای اصلاح خطاها - توان بالای یادگیری - توان تغییر ذهنیت و فکر در مواقع لزوم، حتی اگر به ظاهر خودکشی سیاسی باشد. - توان آگاه کردن مردم نسبت به جهتگیری کلی

سیاستها و راهبردها و کمک به آنان در همانندسازی با نظام حاکمیت - تمایل به ایجاد نظامهایی که از طریق آن بتوان به نیازهای شهروندان، نگرانیها، تقاضاها و پیشنهادهایشان گوش فراداد.

به نظر شنایدر و کینگ برای حل مسائل معاصر، نخست باید امور را بر عهده افراد شایسته گذاشت تا شرایط را برای خروج از بن‌بست کنونی فراهم آورند؛ که این خود دشوارترین مسأله اجتماعی عصر حاضر است. اما ارتقای توانایی حکومت در ترکیب با سه عامل دیگر است که می‌تواند راه را برای حل مسائل پیچیده جهان امروز بازگشاید. آموزش و پرورش به معنای امروزی (آموختن یادگیری در زندگی و از زندگی، و فهمیدن جهان در حال تغییری که در آن زندگی می‌کنیم، خلاصه یعنی یادگیری یادگیری) بهره‌گیری از علوم و فن‌آوریهای جدید به عنوان مهمترین ابزار در خدمت چالش مهم بشری، یعنی در پی فرد بودن؛ آمیخته شدن علم با فرد در عرصه حیات فردی و اجتماعی و استفاده مناسب از رسانه‌های همگانی با هدف فراهم ساختن فرصت بیشتر برای خلاقیت‌ها است.^{۳۶}

۳۵- آتسورلیوپچی و دیگران، ص ۸۶.
۳۶- اششنایدر و کینگ، ص ۷ تا ۱۰ مقدمه.

منابع و مآخذ

امیری، مجتبی. نظریه برخورد تمدنها، انتشارات وزارت امور خارجه، سال ۱۳۷۴.

اشنایدر و کسینگ. نخستین انقلاب جهانی، ترجمه شهین دخت خوارزمی، نشر احیا کتاب، سال ۱۳۷۴.

اینگلهارت، رونالد. تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، انتشارات کویر.

بی هندی، چارلز. عصر تضاد و تناقض، ترجمه محمود طلوع، انتشارات رسا، سال ۱۳۷۵.

پناهی، محمدحسین. مقاله «دگرگونی فرهنگی و زمینه‌های نفوذ عناصر فرهنگی بیگانه» به نقل از کتاب فرهنگ، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی، سال ۱۳۷۶.

دراکر، پیتر اف. جامعه پس از سرمایه‌داری، ترجمه محمود طلوع، انتشارات رسا، سال ۱۳۷۴.

روح الامینی، محمود. زمینه فرهنگ‌شناسی، انتشارات عطار، سال ۱۳۶۸.

سوروکین. نظریه‌های جامعه‌شناسی و فلسفه‌های نوین تاریخ، ترجمه اسدالله نوروزی، انتشارات حق‌شناس، ۱۳۷۷.

سی.دش، مایکل. مقاله برخورد فرهنگ، ترجمه محمدرضا سعیدآبادی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.

کندی، پل. در تدارک قرن بیست و یکم، جهان تا سال ۲۰۲۵، ترجمه عباس مخبر، طرح نو، سال ۱۳۷۷.

گسرانپایه، بهروز. فرهنگ و جامعه، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال ۱۳۷۷.

لنسکی، گرهارد و جین. سیر جوامع بشری، ترجمه ناصر موفقیان، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چیستی گفت‌وگوهای تمدنها، سال ۱۳۷۷.

ووگل، ازرا ف. ژاپن کشور شماره یک، ترجمه علی اسدی، شهین دخت خوارزمی، نشر فرهنگ، سال ۱۳۷۶.

یونسکو، بعد فرهنگی توسعه، ترجمه تیمور محمدی، انتشارات برنامه و بودجه، سال ۱۳۷۶.

یونسکو، فرهنگ و توسعه، ترجمه نعمت‌الله و محمد فاضلی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال ۱۳۷۶.

Whireleslie. *The concept of Culture*, 1973, Burgess Publishing Co.

Parsons, talcott, *Social susten*, 1951. New york, the free press.

قسمت دوم مقاله «جهان آینده و... فرهنگ» با عنوان «فرهنگ و نقش آن در جهان آینده» در شماره بهار فصلنامه فرهنگ اصفهان به چاپ خواهد رسید.

